

## تقلب در انتخابات ریاست جمهوری خشم مردم ایران را علیه نظام ارتجاعی اسلامی برانگیخت!

بعد از سقوط رژیم سلطنت توسط مبارزات خلق ایران در ماه دلو سال 1357 خورشیدی مثنی آخذ مرتجع برهبری خمینی بحیث نمایندگان طبقات ارتجاعی ایران به کمک امپریالیسم بین المللی رهبری انقلاب سیاسی مردم ایران را غصب کرده ورژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را جایگزین رژیم قبلی کردند. این رژیم ضد مردمی در طی سه دهه جنایات فجیعی را علیه خلق ایران خاصاً نسل مبارزانقلابی آن مرتکب شده است. رژیم جهنمی اسلامی با سوء استفاده از عقاید مذهبی مردم ایران آنها را غوا کرده وهمه جنایات اشرا به همین نام انجام داده است. رژیم با استفاده از منابع سرشار این کشور ماشین سرکوب خلقهای ملیتهای مختلف ایران را تقویت کرده و کوچکترین حرکت اعتراضی مردم را سرکوب خونین می کند. این رژیم باندهای اراذل و اوباش وعناصر لومپن وولگرد، فرصت طلب ومنفعتجو وبخشهای از افراد ساواک رژیم رضاشاه را جمع کرده ودر سازمانهای مختلف مانند اطلاعات وسپاه و دیگر تشکلات جابجا کرده وعلیه مردم بکار می گیرد. بعد از آنکه خمینی جلاد توانست ثمرات انقلاب مردم ایران را که با خون فرزندان مبارز این کشور بدست آمده بود بریابد، ساطور جلادی اشرا بر کمر بست ویک نسل از نیروهای انقلابی ایران را وحشیانه به قتل رساند. رژیم اسلامی در طی سی سال نه تنها ده ها هزار نفر ادر زندانها وحشیانه شکنجه کرده وبه جوخه های اعدام سپرده است که با نافذ کردن احکام و قوانین شرع اسلام همه آزادی های مدنی واجتماعی وسیاسی مردم ایران را سلب کرده وحریم زندگی خصوصی مردم را شدیداً تحت کنترل قرار داده است. سلب حقوق ملیتهای غیر فارس وآزار وادیت پیروان ادیان ومذاهب غیر اسلام وحتی پیروان مذهب تسنن را به شدت انجام داده است. در طی این سه دهه هربار که فشار استبداد نظام اسلامی وستم وبی عدالتی وتجاوز اراذل و اوباش رژیم مردم را به خشم آورده و آنها علیه رژیم اعتراض کرده اند، توسط رژیم وحشیانه سرکوب شده اند. سرکردگان این رژیم خونخوار وحامیان امپریالیست آنها منابع و دارائیهای مردم ایران را چپاول وغارت می کنند. در حالیکه مردم ایران در شرایط فقر و بیچارگی زندگی می کنند. ملیونها تن از مردم ایران جهت رهائی از فشارهای روانی ناشی از فقر و بدبختی و دیگر مصایب اجتماعی به موادمخدر روی آورده اند. هزاران زن ایرانی با ترفقروتنگدستی مجبور به تن فروشی شده اند. در طی این مدت ملیونها نفر عمدتاً نسل تحصیل کرده و روشنفکر ایران از کشور فرار کرده اند. شرایط زندگی در همه عرصه ها برای جمعیت 70 ملیونی ایران روزتاروز بدتر شده ورژیم حاکم مجال کوچکترین حرکت حق طلبانه و اعتراض به آنها نداده و هر صدای اعتراض آنها را در گلو خفه می کند. شلاق وسنگسار و چوبه های داریگانه پاسخ این رژیم خونخوار در برابر مردم است.

رژیم اسلامی ایران با اتکاء بر ماشین سرکوب آن، سپاه و ارتش و بسیج ومحاکم وزندانها بر خلقهای ملیتهای ایران حکومت می کند. این رژیم ضد مردمی ودشمن آزادی هر چند سال نمایشات مسخره ای از انتخابات شورای اسلامی و ریاست جمهوری برگزار کرده وتوده های مردم را به انواع تزویر و وحیل و ترفند اغوا کرده وبپای صندوقهای رأی می کشاند. هر زمانی که شدت فشار استبداد رژیم کار درابه استخوان مردم ایران رسانده است، دست به ترفند جدیدی زده وچهره بظاهر ملایم و«لیبرالی» از طبقه حاکم را بنام رئیس جمهور در رأس قوه اجرائیه نصب کرده است. چنانکه چند سال قبل محمد خاتمی را برای هشت سال در رأس دولت نصب کرد. خاتمی بعد از ختم دو دور ماموریت اش بیشرمانه اعلام کرد که قدرتی برای عمل کردن بنفع مردم نداشته است. چهار سال قبل با ترفندها وشعبده بازیهای که خاص همه نظام های ارتجاعی وضدمردمی خصوصاً رهبران جمهوری اسلامی ایران است احمدی نژاد را در رأس دولت اسلامی نصب کرد. احمدی نژاد در طی چهار سال آنچه بر مردم ایران اعمال کرد که خواست خدایان این رژیم وحشت وادبار بود.

نظام حاکم ایران به روال دوره های سابق حدود سه هفته قبل رقابت های انتخاباتی دوردم انتخابات ریاست جمهوری را براه انداخت. رهبران نظام این بار نیز چون دوره های قبل افرادی را ازدوجناح

نظام، «جناح اصولگرا» و جناح «اصلاح طلب» برای جلب آرای مردم ایران در رقابت باهم وارد میدان کردند. از آنجاییکه خلقهای ایران در چنگالهای خونین نظام اسلامی گرفتاراند و شدت ستم همه جانبه نظام آنها در وضعیت قرار داده است که به تصویب یافتن امکان تنفس کوتاهی هم که شده، مجبوره انتخاب بد از بدتر می شوند. همان بود که بتاريخ 22 جوزا (خرداد) امسال بطور گسترده در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند به امید اینکه اگر ممکن شود برای چهار سال از شدت فشار استبداد و اختناق رژیم بر آنها کاسته شود. بر اساس همین افوریا اکثریت مردم ایران در داخل و خارج ایران اینبار میر حسین موسوی (یکی از مهره های اصلی نظام اسلامی که در دوران ریاست جمهوری آیت الایه علی خامنه ای برای مدت هشت سال صدراعظم این نظام بود) را بحیث کاندیدای «مورد نظر» شان دانسته و به اورای دادند. لکن نتایج انتخابات برخلاف انتظار آنها اعلام شد. در این انتخابات طبق اعلان وزارت کشور ایران از تعداد 46 میلیون نفر واجد شرایط رأی دهی، 39 میلیون (حدود 85 درصد) در انتخابات شرکت کرده و رأی داده اند. تناسب آراء حاصله نامزدها این طور اعلام شد:

تعداد آراء محمود احمدی نژاد حدود 24 و نیم میلیون (حدود 63 درصد کل آراء)؛ میر حسین موسوی بیش از 13 میلیون (34 درصد کل آراء)؛ مهدی کروبی حدود 330 هزار رأی و محسن رضائی حدود 800 هزار رأی اعلان گردید. در واقع دو جناح از درون نظام اسلامی در این انتخابات باهم رقابت می کردند؛ محمود احمدی نژاد و محسن رضائی منسوب به «جناح اصولگرا» و میر حسین موسوی و مهدی کروبی از «جناح اصلاح طلب». از کاندید جناح اصلاح طلب (موسوی) حزب مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت، حزب کارگزاران سازندگی، گروه رفسنجانی، محمد خاتمی و جناحی از آخوندهای مقیم قم حمایت میکردند. افراد همین جناح هر کدام از مهره های اصلی نظام جمهوری اسلامی بوده و هستند. اینها در این انتخابات خواستی در جهت دفاع از منافع و حقوق مردم ایران و مخالفت اساسی و جدی ای بانظام حاکم ندارند. این نامزدها در واقع نامزدهای خود نظام حاکم ایران اند که به صحنه آورده شده اند. هر دو جناح بهیچ صورت کاندیدای واقعی مورد نظر مردم ایران نیستند. چنانکه در مناظره های انتخاباتی ملاحظه می شد؛ موسوی احمدی نژاد را متهم می کرد که تو باگفتار و کردار خود «آبروی نظام را برده ای» و باقی مسایل هم برخورد های لفظی درون فامیلی نظام بود که بین جناح رقیب و احمدی نژاد ردوبدل می شد. دیده می شود که جناح «اصلاح طلب» موقعیت نظام را بیش از هر زمانی در خطر می بیند و تلاش می کرد و می کند تا با اختیار کردن شیوه های تساهل کارانه در سطح جامعه از شدت فشار رژیم بر مردم کاسته و باین صورت جلو خشم آنها را علیه نظام بگیرد و عمر این نظام محتضرا طولانی تر کند. بعد از اعلام نتایج انتخابات صدای اعتراض مردم بطور گسترده علیه دولت و در واقع علیه کل نظام بلند شد. روزیکشنبه گذشته هزاران نفر از مردم ایران در تهران و چند شهر بزرگ دیگر دست به تظاهرات زدند و رژیم بوسیله باندهای اراذل و اوپاش اش باکتک و باتوم و گلوله توده های معترض را مورد حمله قرار داد. در این روزحد اقل یک نفر کشته شده و چندین تن دیگر زخمی شدند. بنا به فراخوان میر حسین موسوی روز دوشنبه صدها هزار نفر خشمگین به جاده ها ریخته و دست به تظاهرات زدند. در این روز هفت نفر از معترضین توسط عوامل دولت کشته شده و ده ها تن دیگر زخمی شده و صدها تن از مردم بوسیله پولیس و دستگاه اطلاعات ایران دستگیر و زندانی شده اند. هم چنان تظاهرات و اعتراضات چند صدها نفری در روزهای سه شنبه و چهارشنبه نیز ادامه یافت و طبق گزارش خبرگزاریهای غربی بر اساس درخواست موسوی کتله های مردم این اعتراضات را باسکوت برگزار کردند. در تظاهرات روز دوشنبه میر حسین موسوی، کروبی و خاتمی و کرباسچی مردم خشمگین را به آرامش دعوت می کردند. و موسوی در سخنرانی اش گفت: «راه حل بنده، ابطال این انتخابات است، این کمترین هزینه را برای ملت ما خواهد داشت و گرنه از اعتماد ملت به دولت و نظام هیچ باقی نخواهد ماند». دیده می شود که موسوی از غلیان خشم مردم و وخامت اوضاع و اثرات آن بر نظام بخوبی آگاهست و تداوم اعتراضات خشمگینانه و روحیه شورشگری مردم بیشترین ضربه را برای نظام حاکم در قبال خواهد داشت که میر حسین موسوی و طرفداران او نیز از آن وحشت دارند. این تظاهرات در حقیقت فوران خشم مردم ستمدیده ایران را علیه نظام اسلامی آشکار می سازد. ابراز خشم و نفرت علیه رژیم ستمگرو وحشی ای که در طی سی سال خون مردمان یک کشور را ریخته و وحشیانه بر آنها ستم روا داشته است.

در این اعتراضات و شورش ها باز هم کتله های مردم متوهم اند و همان شعاری راسمی دهند که جناحی از طبقات حاکم بخورد آنها داده است (شعار «الاه اکبر») و نیز شعار «موسوی، موسوی رأی مرابیس بگیر» سردادند. که نه این شعار خواست مردم را نمایندگی می کند و نه هم خواست میرحسین موسوی ربطی به خواسته های مردم ایران دارد. کمترین خواست مردم ایران در شرایط کنونی سرنگونی این نظام جنایتکار و وحشی است. در این انتخابات ایرانیان خارج از کشور از مالزی و استرالیا تا اروپا و آمریکا و سایر کشورها شرکت کردند و در برابر دستبرد دولت به آرای آنها اعتراض کردند.

در این جریان چند نکته قابل توجه است: شورش و اعتراض مردم ایران علیه نظام جابروستمرگر جمهوری اسلامی برحق است؛ ولی مسئله اصلی در این اعتراضات و شورشها رهبری مترقی مردمی و تداوم آن تارسیدن به هدف است. باز هم دیده می شود که این حرکت گسترده از رهبری مترقی سازمانیافته محروم است تا خواست و شعار اصلی خودش را مطرح کند. چنانکه عملاً ملاحظه می شود که جناح «اصلاح طلب» نظام خود را در رأس اعتراضات و شورش صدها هزار نفر از مردم قرار داده است. در حالی که جناح دیگر رژیم فرزندان مردم رابه گلوله می بندد؛ ولی موسوی و طرفداران او مردم رابه آرامش و برگزاری اعتراضات ساکت دعوت می کنند. چنانکه ذکر شد جناح اصلاح طلب نظام نیز هدف دارد تا بوسیله ترفند انتخاباتی و کم کردن فشار استبداد و اختناق نظام فرتوت اسلامی را اصلاح کند ولی دیده می شود که «جناح اصولگرا» هنوز هم بالجابت و سماجت روی روش کنونی اش پافشاری می کند. جای شک نیست که در بین جناح های مختلف طبقات حاکم ایران عمده تاً دو جناح درگیر در شرایط فعلی تضادی وجود دارد که در این انتخابات تاحدی شدت نیز یافته است. و جریان مناظره انتخاباتی نشان داد که برهمه دیگر حمله می کردند ولی آنچه که در کل برای هر دو جناح عمده و مهم است حفظ نظام جمهوری اسلامی است. شاید جناح موسوی برخلاف توصیه ولی فقیه (رهبر جمهوری اسلامی- علی خامنه ای) جهت وارد کردن فشار بر احمدی نژاد و خامنه ای به اعتراضات ادامه دهد. در صورت گسترش و تداوم اعتراضات مردم ایران به همین کمیت و وسعت رهبری نظام بالاجبارتن به لغو نتایج انتخابات نیز خواهد داد؛ اما در این میان باز هم نظام حاکم عمده تاً جناح «اصلاح طلب» برنده است نه مردم ایران که هدف گلوله های آتشین این نظام خونخوار واقع شده اند. در صورت تن دادن رژیم به لغو انتخابات باز هم دست آورد این همه مبارزه و قربانی بنفع جناحی از نظام حاکم تمام می شود. همچنان بادر نظر داشت ماهیت طبقاتی و خصلت کل نظام اسلامی و جناح های متشکله آن امکان عقب نشینی جناح «اصلاح طلب» با اثر تهدید جدی خامنه ای و جناح «اصولگرا» که همه اهرم های قدرت را در اختیار دارد و یا سازش وجود دارد. باین صورت موسوی و گروه های حامی او مردم رابه آرامش دعوت کرده و آنها را در انتظار بررسی موضوع نگه خواهند داشت. در آن صورت امکان متفرق شدن مردم و آغاز حمله گسترده دولت بر مردم و موج دستگیری های گسترده را نباید از نظر دور داشت. البته بیداری و هوشیاری مردم ایران و میزان آگاهی آنها از ترفندهای نظام در این شرایط نقش مهم دارد. خلقهای ملیتهای مختلف ایران باید اجازه ندهند که جناحی از رژیم جلاد اسلامی آنها را غوا کرده و ثمرات مبارزات آنها را غصب کند. اعتراضات و تظاهرات کنونی حمایت ملیونها تن از مردم ایران را در داخل و خارج ایران و نیروهای مترقی جهان با خود دارد. خیزش مردمی کنونی به لحاظ کمیت و گستردگی آن در تاریخ مبارزات خلق ایران در طی سی سال اخیر علیه نظام اسلامی بی سابقه است. خلقهای ایران باید راه خود را بطرح شعارهای که خواسته های مهم آنها را نمایندگی می کند، تارسیدن به هدف تعقیب کنند. اگر این مبارزات گسترده رهبری مترقی اش را بیابد میتواند ضربات محکمی بر نظام جمهوری اسلامی وارد کند.

پیروز باد مبارزات برحق خلقهای ایران

مرگ بر نظام اسلامی قاتل مردم ایران

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع بین المللی

17 جون 2009 (27 جوزا- خرداد- سال 1388 خورشیدی)

(فعالین جنبش نجاتبخش مردم افغانستان)